

نقش حمایت اجتماعی و حرمت خود در کمرویی و پرخاشگری

The Role of Social Support and Self Esteem in Shyness and Aggression

نویسنده مسئول: دکتر محترم نعمت طاوسی

استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

آدرس پست الکترونیک: m_nemattavousi@azad.ac.ir

نویسنده اول: رضالطفی الله لو

کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی

دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب

آدرس پست الکترونیک: rezalotfise@gmail.com

در این پژوهش نقش حمایت اجتماعی و حرمت خود در کمرویی و پرخاشگری بررسی شد. 300 دانشجوی (77 پسر و 223 دختر) کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب که در سال تحصیلی 1395-1934 مشغول به تحصیل بودند به روش نمونه برداری چند مرحله ای انتخاب شدند و مقیاس حمایت اجتماعی شربورن و استوارت (1991)، مقیاس حرمت خود روزنبرگ (1965)، مقیاس کمرویی چیک و بریگز (1990) و مقیاس پرخاشگری باس و پری (1993) را تکمیل کردند. این پژوهش از نوع همبستگی بود و برای تحلیل داده ها از آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج نشان داد که چهار متغیر حمایت اجتماعی، حرمت خود، کمرویی و پرخاشگری با یکدیگر رابطه منفی معنادار دارند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که حرمت خود و حمایت اجتماعی مؤلفه های پیش بینی کننده پرخاشگری و کمرویی در افراد است. بر اساس نتایج این پژوهش می توان بر ضرورت توجه به منابع حمایت اجتماعی و حرمت خود در کاهش پرخاشگری و کمرویی تأکید کرد.

واژه های کلیدی: حمایت اجتماعی، حرمت خود، کمرویی، پرخاشگری

یکی از عواملی که نقش مهمی آن بر عوامل درونی و بیرونی زندگی دارد، حمایت اجتماعی است (راتر، 1982). حمایت اجتماعی به مراقبت، محبت، حرمت خود، تسلی و کمک‌های که سایر افراد به فرد ارزانی می‌دارند گفته می‌شود و حمایت اجتماعی از منابع گوناگونی به دست می‌آید که از جمله آنان خانواده، دوستان یا سازمان‌های اجتماعی است (سارافینو، 2002). کسانی که از حمایت اجتماعی برخوردارند احساس می‌کنند که کسی دوست شان دارد و برای آنها اهمیت قابل است و خود را بخشی از شبکه اجتماعی دوستان و خانواده می‌دانند (سارافینو، 2002).

کوهن (2014) حمایت اجتماعی را یک شبکه اجتماعی می‌داند که برای افراد منابع روان‌شناختی محسوسی را فراهم می‌کند تا بتوانند با مشکلات روزانه کنار بیایند و همچنین منابع لازم را برای بهبود روابط را در اختیار داشته باشند (لورا، گراهام و نامی، 2007). حرمت خود نیز عبارت است از نگرش نسبت به خود که در آن مولف‌های شناختی عاطفی وجود دارد (روزنبرگ، 1965؛ کوپراسمیت، 1967).

حرمت خود ارزیابی خود در پرتو عقیده دیگران است و براساس فرایندهای عاطفی به ویژه به ویژه احساس‌های منفی و مثبت در باره خود بنا شده است (سانتراک، 2001). در پژوهش چا (2003) این فرضیه تایید شده است که افراد دارای حرمت خود بالا از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردار بودند و از حرمت خود به عنوان سپری در برابر تنیدگی‌های روزمره استفاده می‌کنند.

راهنمای تشخیصی و آماری بیماری‌های روانی از حرمت خود را یکی از ویژگی‌های شخصیت بهنجار می‌داند و حرمت خود پایین را به عنوان نشانگان مرضی چند اختلال نوجوانی از جمله اختلال اجتنابی نام برده است (نریمانی و وحیدی، 1392).

همچنین کوب (1976) نقش حمایت اجتماعی را در افزایش حرمت خود تایید می‌کند. در پژوهش‌های دیگری نیز نشان داده شده که حرمت خود و حمایت هیجانی به عنوان دو منبع روانی-اجتماعی بر تنیدگی و فرایندهای مقابله با آن تاثیر می‌گذارند (پیرلین، 1978 نقل از ، فولکمن و لازاروس، 1988). هنگامی که فرد می‌فهمد که از طرف دوستان و خانواده پذیرفته شده است و در روابط بین فردی عضو مهمی به حساب می‌آید حرمت خود اطمینان و کارایی او افزایش می‌یابد (ویندل، 1992).

یکی از مشکلات عاطفی و رفتاری و شناختی که به نظر می‌رسد به شدت تحت تاثیر روابط انسان با اجتماعی و اطرافیان قرار دارد، کمروبی است؛ به طور کلی کمروبی یک سازه روان‌شناختی و در عین حال یک عارضه‌ی اجتماعی است، که در جمع بروز می‌کند و با ناتوانی و معلولیت اجتماعی ظاهر می‌شود (افروز، 1373).

کمرویی به عنوان واکنش و بازداری فرد در مواجهه با غریبه‌ها و آشنایان تعریف شده است (شیومی و ماتسوشیما، 2001). احساس کمرویی که به خود ارزیابی منفی در فرد منجر می‌شود، اغلب با تظاهراتی از خشم و خصومت همراه است (تانگنی، 1990).

در معمولی‌ترین تعریفی که از پرخاشگری وجود دارد، یک رفتار هدف‌مندانه در نظر گرفته می‌شود، که با وارد کردن آسیب به شخص دیگر، یا کسب امتیازاتی از سوی فرد دیگر همراه است و درجات و اشکال مختلفی دارد. از آسیب‌های روان‌شناختی، هیجانی، جراحات‌های بدنی و قتل درنوسان است (رامیرز، 2006). چنین احساس‌های معمولاً به سمت کسانی که مسبب کمرویی بوده‌اند جهت‌گیری می‌شوند، و کمرویی به عنوان یک هیجان قدرتمند و شدید است، که موجب بروز عواطف منفی بسیاری از جمله خشم در نتیجه پرخاشگری می‌شود (هاردیر و لویس، 1986، تانگنی، 1990).

اصولاً افرادی که در ارتباط و تعامل‌های اجتماعی دچار احساس کمرویی شدید هستند میزان بالایی از گرایش به خشم را گزارش می‌دهند، بر این اساس ممکن است ارتباط میان پرخاشگری و کمرویی ناشی از خود‌پنداشت تحقیر آمیز باشد (تانگنی، 1990). همچنین ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که کمرویی می‌تواند باورهای اجتماعی یک فرد را درآینده تحت تاثیر قرار دهد (هانه، چه، رابی و فاکس، 2008).

روش تحقیق

طرح این پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب در نیمسال دوم سال تحصیلی 1394-1395 بود. در این پژوهش برای تعیین گروه نمونه از روش نمونه برداری چند مرحله‌ای استفاده شد براساس نظر کلاین (2011) و به ازای هر پارامتر 20 نفر یعنی 260 نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند که به منظور تعمیم‌پذیری بیشتر و احتمال مخدوش بودن برخی از پرسشنامه‌ها به دلیل عدم پاسخ به همه پرسش‌ها 40 نفر دیگر به عنوان تعداد نمونه اضافه شد. بنابراین 300 نفر از دانشجویان دانشگاه فنی - مهندسی تهران جنوب انتخاب که 77 نفر مرد و 223 نفر زن بودند.

براساس روش نمونه برداری چند مرحله‌ای نخست، از بین دانشکده‌های دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب چهار دپارتمان فنی- مهندسی انتخاب شدند و از بین کلاس‌های این دپارتمان‌ها، 30 کلاس و در هر کلاس برای پاسخگویی به پرسش‌های مقیاس‌ها 10 نفر به صورت تصادفی انتخاب شد.

مقیاس حرمت خود روزنبرگ (1965) به ارزشیابی حرمت خود به معنای ارزش کلی که فرد به خود نسبت می‌دهد، می‌پردازد (هارتر، 1990 نقل از جاج، لوکه، دورهام و کلوگر، 1998). این مقیاس دارای 10 ماده است که برخی از - ماده‌های آن مانند "من نسبت به خودم بازخورد مثبتی دارم"، به صورت مستقیم و برخی دیگر مانند "بی‌تردید، گاهی

اوقات احساس می‌کنم بی‌فایده هستم." به صورت معکوس به ارزیابی حرمت خود می‌پردازند. بلازکوویچ و توماکا (1991 نقل از اوپلر، 2007) اعتبار این مقیاس را بین 0/77 تا 0/88 برآورد و روایی آن را مورد تأیید قرار داده‌اند. اوپلر (2007) نیز در نمونه‌های دانشجویی و کارمندی، ضرایب آلفای این مقیاس را به ترتیب برابر با 0/88 و 0/84 گزارش کرده است. روایی این مقیاس در پژوهش‌های مختلف قابل قبول گزارش شده است. برای مثال، جیمز و جونز (1985 نقل از جاج و دیگران، 1998) نشان دادند که حرمت خود با ادراک افراد از ویژگی‌های درونی شغل خود به طور مثبت همبسته است. افزون بر آن، شواهد نشان می‌دهند حرمت خود با رضایت شغلی مرتبط است (لاک، مک‌کلیر و نایت، 1996 نقل از جاج و دیگران، 1998).

محمدی (1384) اعتبار این مقیاس را با سه روش آلفای کرونباخ، بازآزمایی و دو نیمه‌کردن به ترتیب 0/69، 0/78 و 0/68 و روایی همزمان آن را مناسب گزارش کرده است. نعمت طاوسی (1392) نیز در پژوهش خود نشان داد که حرمت خود با مقابله مسئله محور و جستجوی حمایت اجتماعی همبستگی مثبت معنادار دارد. در پژوهش دیگری روایی این مقیاس براساس محاسبه همبستگی بین حرمت خود و سرسختی برابر با 0/46 و اعتبار آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برابر با 0/75 به دست آمد (نعمت طاوسی و حوری، 1391).

مقیاس پرخاشگری (باس و پری، 1993) یک مقیاس خود گزارش دهی مداد کاغذی است. این پرسشنامه شامل 29 ماده و چهار زیر مقیاس است، که عبارت است از پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت. روایی فرم اصلی این مقیاس توسط سازندگان آن محاسبه شده و برای عوامل پرخاشگری بدنی، کلامی، خشم و خصومت به ترتیب 0/80، 0/76، 0/72 و 0/72 گزارش شده است. نتایج عاملی مقیاس‌ها گویای آن بود که به جز ماده 29 (دوستانم فکر می‌کنند من زود جوش می‌آورم) بقیه ماده‌ها دارای همبستگی معنادار با نمره کل مقیاس بودند، همبستگی ماده‌ها با نمره کل در دامنه 0/25 تا 0/52 بود (باس و پری، 1992). ضرایب آلفای کرونباخ برای هریک از عوامل محاسبه شد که به ترتیب برای عوامل خشم، پرخاشگری، خشم و خصومت به ترتیب برابر با 0/83، 0/79، 0/77 و 0/70 بود (باس و پری، 1992).

سامانی (1386) در یک بررسی مقطعی 492 نفر از دانشجویان 18 تا 22 ساله (248 پسر و 244 دختر) دانشگاه شیراز را با مقیاس پرخاشگری باس و پری ارزیابی کرد. داده‌ها به کمک آزمون‌های آماری ضریب همبستگی، تحلیل عاملی و آزمون t تحلیل شدند و به کمک تحلیل عاملی، چهار عامل رفتاری، پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت استخراج شد. بررسی اعتبار مقیاس با روش بازآزمایی در مورد 40 نفر از دانشجویان با فاصله زمانی دو هفته برای عامل‌های پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت به ترتیب برابر با 0/74، 0/78، 0/68 و 0/68 بود (سامانی، 1386). همچنین مقایسه این عوامل در دختران و پسران گویای آن بود که نمره پسران در سه

عامل پرخاشگری، خشم و بدگمانی نسبت به دختران به طور معناداری بیشتر بود. همچنین همبستگی بالای عوامل با نمره کل مقیاس، همبستگی ضعیف عوامل با یکدیگر و مقادیر ضریب آلفا همگی نشان دهنده کفایت و کارایی مقیاس بود (سامانی، 1381).

مقیاس حمایت اجتماعی شربورن و استوارت (1991) برای سنجش حمایت اجتماعی از استفاده شده است. این مقیاس که میزان حمایت اجتماعی دریافت شده توسط آزمودنی را می‌سنجد، دارای 19 ماده و 5 زیر مقیاس است. این زیر مقیاس‌ها عبارت است از: حمایت ملموس که کمک‌های مادی و رفتاری را می‌سنجد، حمایت هیجانیکه عاطفه مثبت و همدردی و تشویق به بیان احساسات را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، حمایت اطلاعاتی که راهنمایی، اطلاع رسانی یا دادن بازخورد را می‌سنجد، مهربانی که ابراز علاقه را می‌سنجد و تعامل اجتماعی مثبت که وجود افرادی برای پرداختن به فعالیت‌های تفریحی را ارزیابی می‌کند.

اعتبار زیرمقیاس‌های حمایت هیجانی، حمایت اطلاعاتی، حمایت ملموس و تعامل اجتماعی مثبت و مهربانی و مقیاس کل به ترتیب 0/96، 0/96، 0/92، 0/94، 0/91، 0/97 گزارش شده است (شربورن و استوارت، 1991). همچنین در مطالعه‌ای که برای مشخص کردن حمایت اجتماعی در برزیل توسط سانتوس و همکاران (2018) انجام شد، همبستگی موجود برای تحلیل عاملی مناسب بود. روایی این مقیاس به روش روایی همگرایی مقیاس با محاسبه همبستگی بین حرمت خود و حمایت اجتماعی برابر 0/24 بود.

همچنین در پژوهش بحری و همکاران (1394) اعتبار مقیاس به روش آلفای کرونباخ 0/94 به دست آمد که نشان دهنده اعتبار خوب این مقیاس است. جهانبخشیان و زندی پور (1390) نیز اعتبار این مقیاس را با روش آلفای کرونباخ 0/94 به دست آورده است.

مقیاس کمرویی توسط چیک - بریگز در سال 1990 ساخته شده است که از 14 مقیاس و 3 زیر مقیاس کمبود قاطعیت و نداشتن اعتماد به خود (4 ماده)، پریشانی و دوری‌گزینی اجتماعی (7 ماده) و گستره کمرویی در ارتباط با افراد ناآشنا (3 ماده) تشکیل شده است. در پژوهش چیک مقیاس کمرویی 14 ماده‌ای دارای میانگین 33 (SD=9/2) بود و به طور متوسط همبستگی بین ماده‌ها 0/39 به دست آمده است و ضریب آلفای کرونباخ 0/90 و ضریب بازآزمایی با فاصله 45 روز 0/88 بدست آمد (چیک و استهال، 1986).

در پژوهش رجبی و عباسی (1389) در نمونه 182 نفری از دانشجویان دانشگاه شهید چمران به روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و مقیاس بازبینی شده چیک-بریگز (1990) و مقیاس حرمت خود روزنبرگ (1965) را تکمیل کردند. برای بررسی اعتبار مقیاس کمرویی از ضریب آلفای کرونباخ و برای بررسی روایی سازه آن از روایی افتراقی و تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد.

ضریب آلفای کرونباخ مقیاس 14 ماده‌ای در کل و در عامل‌های سه گانه، از 0/18 تا 0/67 بود. ضرایب همبستگی بین هر یک از ماده‌های مقیاس و نمره کل ماده‌ها بین 0/10 تا 0/60 متغیر و همگی (به استثنای ماده 12) در سطح $P < 0/0001$ معنادار بود. ضریب روایی افتراقی بین این مقیاس و مقیاس حرمت خود روزنبرگ در کل نمونه 0/23- و در سطح $P < 0/002$ معنادار بود. نتایج تحلیل عامل اکتشافی (تحلیل مولفه‌های اصلی) سه عامل کمبود قاطعیت و نداشتن اعتماد به خود، پریشانی و دوری‌گزینی اجتماعی و گستره کمرویی در ارتباط با افراد ناآشنا را نشان داد (رجبی و عباسی، 1389).

برای تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیری استفاده شده است.

یافته‌ها

در جدول 4-1 میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای حرمت خود، حمایت اجتماعی، کمرویی و پرخاشگری منعکس شده است.

جدول 4-1: میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی متغیرهای مورد بررسی (n=300)

متغیرها	M	SD	1	2	3
1. حرمت خود	35/01	6/84	-	-	-
2. حمایت اجتماعی	68/30	15/96	0/236**	-	-
3. کمرویی	35/80	9/30	-0/560**	-0/387**	-
4. پرخاشگری	77/14	15/75	-0/441**	-0/238**	-0/423**

**p < 0/01

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش آزمون همبستگی اجرا شد، همانطور که جدول 4-1 نشان می‌دهد میانگین متغیرهای حرمت خود، حمایت اجتماعی، کمرویی و پرخاشگری به ترتیب برابر با 35/01، 68/30، 35/80 و 77/14 است. همان‌طور که نتایج حاصل از اجرای آزمون همبستگی پیرسون در جدول 4-1 نشان می‌دهد بین حرمت خود و حمایت اجتماعی با کمرویی همبستگی منفی معنا دار وجود دارد (به ترتیب $r = -0/560$ و $r = -0/387$). بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه بین حرمت خود و حمایت اجتماعی و کمرویی رابطه منفی وجود دارد، تأیید می‌شود. همچنین این نتایج نشان می‌دهد که بین حرمت خود و حمایت اجتماعی با پرخاشگری همبستگی منفی معنادار وجود دارد (به ترتیب $r = -0/441$ و $r = -0/238$). فرضیه دوم پژوهش حاضر مبنی بر بین حرمت خود و حمایت اجتماعی با پرخاشگری رابطه منفی وجود دارد، نیز تأیید می‌شود.

به منظور پیش بینی کمرویی براساس متغیرهای حرمت خود و حمایت اجتماعی برای پاسخ به این پرسش که "آیا حرمت خود و حمایت اجتماعی کمرویی را پیش بینی می‌کنند؟" آزمون تحلیل رگرسیون همزمان اجرا شد. نتایج تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون بین حرمت خود، حمایت اجتماعی در جدول 4-2 نشان داده شده است.

جدول 4-2: خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون حرمت خود و حمایت اجتماعی

شاخص							
متغیرها	SS	df	MS	F	R	R ²	SE
حرمت خود	8120/332	1	8120/332	136/37	0/560	0/314	7/716
حمایت اجتماعی	9901/813	2	4950/906	92/11	0/619	0/383	7/331

**p < 0/001

جدول 4-3: ضرایب رگرسیون

شاخص				
متغیرها	B	SE	β	t
حرمت خود	-0/675	0/064	-0/496	-10/58**
حمایت اجتماعی	-0/157	0/027	-0/270	-5/75**

**p < 0/001

نتایج نشان می‌دهد که میزان F مشاهده شده معنادار است ($P < 0/01$) و 31 درصد از واریانس مربوط به کمرویی با حرمت خود تبیین می‌شود ($R^2 = 0/314$). ضریب رگرسیون متغیر پیش بین نیز نشان می‌دهد که متغیر حرمت خود می‌تواند واریانس کمرویی را به صورت معنادار تبیین کند. ضریب حرمت خود ($B = -0/675$) با توجه به مقدار t نشان می‌دهد. با متغیر حرمت خود می‌توان تغییرات مربوط به کمرویی نمونه مورد بررسی را با اطمینان 99٪ پیش بینی کرد. افزون بر آن نتایج نشان می‌دهد که میزان F مشاهده شده معنادار است ($p < 0/01$) و 38 درصد از واریانس مربوط به کمرویی با حمایت اجتماعی تبیین می‌شود ($R^2 = 0/383$). ضریب رگرسیون متغیر پیش بین نیز نشان می‌دهد که متغیر حمایت اجتماعی می‌تواند واریانس متغیر کمرویی را به صورت معنادار تبیین کند و ضریب حمایت اجتماعی ($B = -0/157$) با توجه به مقدار t نشان می‌دهد که با متغیر حمایت اجتماعی می‌توان تغییرات مربوط به کمرویی را با اطمینان 99٪ پیش بینی کرد، به عبارت دیگر، با افزایش حمایت اجتماعی، کمرویی نیز کاهش می‌یابد، که در جدول (3-4) نشان داده شده است.

2-2. نتایج رگرسیون بین متغیرهای حرمت خود، حمایت اجتماعی و پرخاشگری نیز در جدول 4-4 درج شده است.

جدول 4-4: خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون حرمت خود و حمایت اجتماعی

شاخص							
متغیرها	SS	df	MS	F	R	R ²	SE
حرمت خود	14419/186	1	14419/186	71/90	0/441	0/192	14/160
حمایت اجتماعی	15833/268	2	7916/634	40/30	0/462	0/208	14/015

**p < 0/001

جدول 4-5: ضرایب همبستگی

متغیرها	B	SE	β	T
حرمت خود	-0/938	0/122	-0/41	-7/69
حمایت اجتماعی	-0/140	0/052	-0/14	-2/68

**p < 0/001

نتایج جدول 4-4 نشان می‌دهد که میزان F مشاهده شده معنادار است ($P < 0/001$) و 19 درصد از واریانس مربوط به پرخاشگری با حرمت خود تبیین می‌شود ($R^2 = 0/192$). ضریب رگرسیون متغیر پیش بین نیز نشان می‌دهد که متغیر حرمت خود می‌تواند واریانس پرخاشگری را به صورت معنادار تبیین کند. ضریب حرمت خود ($B = -0/938$) با توجه به مقدار t در جدول 4-5 نشان می‌دهد با متغیر حرمت خود می‌توان تغییرات مربوط به پرخاشگری نمونه مورد بررسی را با اطمینان 99٪ پیش بینی کرد. افزون بر آن نتایج نشان می‌دهند که میزان F مشاهده شده معنادار است ($P < 0/001$) و 20 درصد از واریانس مربوط به پرخاشگری با حمایت اجتماعی تبیین می‌شود ($R^2 = 0/208$). ضریب رگرسیون متغیر پیش بین در جدول 4-5 نشان می‌دهد که متغیر حمایت اجتماعی می‌تواند واریانس متغیر پرخاشگری را به صورت معنادار تبیین کند و ضریب حمایت اجتماعی ($B = -0/140$) با توجه به مقدار t نشان می‌دهد که با متغیر حمایت اجتماعی می‌توان تغییرات مربوط به پرخاشگری را با اطمینان 99٪ پیش بینی کرد. به عبارت دیگر، با افزایش حمایت اجتماعی پرخاشگری نیز کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از اجرای آزمون همبستگی پیرسون در جدول 4-1 نشان می‌دهد که بین حرمت خود و حمایت اجتماعی با کمرویی همبستگی منفی معنادار وجود دارد (به ترتیب $r = -0/560$ و $r = -0/387$). بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه حرمت خود و حمایت اجتماعی با کمرویی رابطه منفی دارد تایید می‌شود. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش‌های دیگر همسو است (برای مثال، ژاو و دیگران، 2012؛ ماهون و دیگران، 2006؛ سرگین و فلورا، 2000؛ ونزل، 2004؛ رایان و کازوسکی، 2004؛ هیمبرگ، 1990؛ اریندل، سندرم و هاگمن، 1990؛ جوینر، 1997؛ گادیس، 2007؛ دنیز، هارتمن و آریبی، 2005؛ ویس و اشتوارز، 1996؛ اوستوری، پیلات و کریک، 2006؛ لین، شیا، چانگ، لانگ و وانگ چو، 2004؛ جلالی، 1998؛ سپهری، 2009؛ ایستبرگ و جانسون، 1990؛ سیفر، 1996؛ گلدبرگ و اشمیت، 2001؛ اسنهالا و مارتی، 2003؛ ماسی، 2003؛ چونگ و اوانس، 2000؛ لیری و کوالسکی، 1995؛ جونز و دیگران، 1996) از یک سازه تجربی به طور مشترک حمایت کردند.

در تبیین‌های احتمالی این مسئله به نظر می‌رسد که حمایت اجتماعی از طریق افزایش توانمندی و سازگاری فرد در رویارویی با مشکلات فرصت استفاده از تجربیات جانشین را فراهم می‌آورد (شکری، 1391) و از طریق تاثیر بر پذیرش و خود شایستگی باعث افزایش حرمت خود و خودکارآمدی می‌شود (عسگری و شرف‌الدین، 1387). در تحقیقات (ستینکا، 2005؛ گونسولی، خواجوی و اسدپور، 2012؛ هاشیموتو، 2002؛ یاشیما، 2002) ثابت شده است که حرمت خود بالا سبب برون‌گرایی، افزایش حمایت اجتماعی و باز بودن در پذیرش ارتباطات مختلف می‌شود. همچنین در مطالعه ژاو و دیگران (2012) مشاهده شده است که هرچقدر افراد دارای حرمت خود بالاتری برخوردار باشند، دارای حمایت اجتماعی بیشتری خواهند بود.

تبیین دیگر برای تایید تبیین پیشین آن است که اریکسون (1974) بیان داشته است که ارتباط با اجتماع و فعالیت‌های اجتماعی نقش زیادی در شکل‌گیری حرمت خود بازی می‌کنند و در مطالعه‌ای که به وسیله ای کوپر اسمیت (1967) انجام گرفته است از لحاظ آماری بین حرمت خود و توانایی دوست‌یابی و تفاوت معناداری مشاهده شده است.

همچنین مازلو (1367) بیان می‌دارد که حمایت اجتماعی و داشتن منزلت اجتماعی و مورد تایید بودن دیگران نقش مهمی در شکل‌گیری حرمت خود، پیشرفت و خود استقلال فرد دارد. تبیین احتمالی دیگر این است کمرویی باعث نگرانی بیش از حد در مورد موقعیت‌های اجتماعی می‌شود (فلیپس و پیتمن، 2007)، که به کناره‌گیری اجتماعی و کم‌گویی و خاموشی افراد در موقعیت‌های اجتماعی می‌انجامد (رایبن، 2001؛ سندرس و چستر، 2008)، که در نتیجه سبب فقدان حرمت خود در افراد می‌شود (لیری و کوالسکی، 1995؛ ماسی، 2003؛ کروزی، 2001؛ وودی، چمپل و گلاس، 1997).

همچنین ترنر و هیز (2005) در پژوهش خود بیان داشتند که این احتمال وجود دارد که سازه‌های مشترک دیگری از جمله ضعف عملکرد افراد در زندگی، نداشتن مهارت‌های اجتماعی در رابطه با کمرویی بطور غیر مستقیم نقش بیشتری از حرمت خود در کاهش کمرویی ایفا می‌کنند، همچنین ملینگز و والدن (2000) در رابطه با کمرویی نقش به‌خاطر آوردن رویدادهای منفی و نحوه تمرکز و پردازش بر نکات منفی اطلاعات را باعث ضعف عملکرد افراد در موقعیت‌های اجتماعی دانسته‌اند. در تبیین‌های دیگری همچنین این احتمال مطرح شده است که کمرویی با مولفه‌های دیگری از جمله موقعیت‌های اجتماعی و سوگیری در تعبیر موقعیت‌ها رابطه مثبت داشته است (هرتل، بروویچ، جورمن و گاتلیب، 2008؛ بک، امری و گرین برگ، 1985).

نتایج حاصل از اجرای آزمون همبستگی پیرسون در جدول 4-1 همچنین نشان می‌دهد که بین حمایت اجتماعی و حرمت خود با پرخاشگری همبستگی منفی معنادار وجود دارد (به ترتیب $r = -0/441$ و $r = -0/238$). بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اینکه حمایت اجتماعی و حرمت خود با پرخاشگری همبستگی منفی معنادار دارد تایید می‌شود. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش‌های دیگر همسو است (برای مثال، اسکریر، 2002؛ منا و لندی، 2001؛ دیوید و کیسترنر، 2000؛ اندرسون، 1994؛ لانگ، 1990؛ لاک، 2009؛ لاجمن و داج، 1994؛ دونلن، تریزونسکی، رایبنز، موفیت و کسپی، 2005؛ تاک، 1993؛ فرگوسن و هورود، 2000؛ جنکاسکی، 1991؛ توماس، بوشمن، استیگ و الت، 2008؛ پالهاس، 2004؛ برادشاو و هازن، 2006؛ پرز، 2006؛ کرک پاتریک، 2000؛ شین، گئو و چای، 2007؛ توماس و بوشمن، 2011؛ استوروسکی، 2010؛ نای، 2005؛ باری، 2007؛ لی و هانگین، 2009؛ ورنه، پاتریک و لانگ؛ 2002؛ مان، هاسمن و شالما، 2004؛ و از یک سازه تجربی مشترک حمایت می‌کنند.

در تحقیقات پیر و آکرول (2008) این تبیین تایید شده است که افراد چون به حرمت خود دسترسی ندارند، در نتیجه به پرخاشگری جسمانی و کلامی به عنوان منبع جایگزین روی می‌آورند. تبیین احتمالی دیگر برای این مسئله آن است که براساس نظریه ناهماهنگی شناختی فستینگر افراد دارای حرمت خود پایین به اعمال خلاف قانون و پرخاشگری دست می‌زنند، چراکه اعمال خلاف اخلاق با خودپنداشت آنها هماهنگ‌تر است (اسکریر، 2002؛ فرگوسن و هورود، 2000). همچنین در تحقیقی که بوسیله وای براندت و ارمیلس (2010) در سوئد بر روی 204 نوجوان انجام شد، نشان داد که نوجوانانی که حرمت خود بالاتری دارند، کمتر ناکامی‌های خود را به دیگران نسبت می‌دهند، در نهایت کمتر عصبانی می‌شدند و پرخاشگری کمتری نسبت به همسالان خود نشان می‌دادند. همچنین از آنجا که حرمت خود یکی از رفتارهای مهم انسان به شمار می‌رود، فردی که دارای حرمت خود پایین باشد ارزش و احترامی برای خود قایل نیست و به رفتارهای پرخاشگرانه و ضد اجتماعی روی می‌آورد (باس و پری، 1992؛ مایک و اسمیت، 2002؛ گرین و موری، 1973؛ بوشمن و بامیستر، 1993)، در تبیین احتمالی دیگر نیز این احتمال مطرح شده است که افرادی که فاقد حمایت اجتماعی یا نقص در حمایت اجتماعی دارند، پرخاشگرترند و در آینده رفتار ضد اجتماعی بیشتری را از خود بروز می‌دهند (گریفین، 2000).

نتایج پژوهش نشان داده‌اند حرمت خود می‌تواند کمرویی را پیش بینی کند (وندت، 2011؛ کونگ، 2014؛ ماهون و دیگران؛ سپهری و دیگران، 1388)، و حمایت اجتماعی نیز پیش بینی کننده‌ی خوبی برای پرخاشگری است (نورا،

2001؛ آریندل و دیگران ، 1990؛ نونی و وودرام، 2002؛ استورچ و استورچ، 2002؛ بارنز، 2004؛ الیسون و جورج، 1994؛ بن کورین و مک ماهون، 2008؛ اسکارپا و هادن، 2006؛ شت و کلوی، 2003).

پیشنهادهای پژوهش

به تبع محدودیت‌های یاد شده و یافته‌های نهایی این مطالعه پیشنهاد می‌شود که در طرح‌های پژوهش آتی، در این قلمرو، مواردی که در پی می‌آیند مد نظر قرار گیرند:

1. گسترش بخشیدن نمونه‌های مورد مطالعه با انتخاب نمونه‌هایی از دوره‌ها یا پایه‌های تحصیلی دیگر.
2. روشن کردن تفاوت بارز بین اضطراب اجتماعی و کمروبی.
3. لحاظ کردن نقش فرهنگ در تحقیق.
4. بررسی نقش متغیرهای میانجی در تحقیق.

منابع

- افروز، غ. (1373). مبانی روان‌شناختی کمروبی و روش‌های درمان. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی. دوره 1، شماره 0، ص. 41-13.
- بحری، سیده لیلا؛ دهقان منشادی، ماریه؛ دهقان منشادی، زبیده؛ (1394). بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی تاب‌آوری و حمایت اجتماعی در سلامت روانی والدین کودکان نابینا و ناشنوا. مجله تعلیم و تربیت استثنائی. سال چهاردهم، شماره 1. 5-12.
- جهان‌بخشیان، زندی پور (1390). بررسی اثربخشی مشاوره گروهی مبتنی بر رویکرد چندوجهی لازاروس با بیماران ام‌اس بر بهبود سلامت روان و تقویت حمایت اجتماعی بیماران. مقاله 1، دوره 7، شماره 2، تابستان 1390، صفحه 84-65.
- محمدی، و سجادی نژاد. (۱۳۸۴). رابطه نگرانی از تصویر بدنی، ترس از ارزیابی منفی و حرمت خود با اضطراب اجتماعی. پژوهش‌های نوین روان‌شناختی (روان‌شناسی دانشگاه تبریز)، 2(5)، 70-55.
- رجبی و عباسی. (1389). ساختار عاملی کمروبی در بین دانشجویان. مجله روانپزشکی و روانشناسی ایران، سال شانزدهم، شماره 4، 456-467.
- سپهری، .. (1388) الگوهای ارتباطی خانواده و متغیرهای شخصیتی در دانشجویان. "فصلنامه روانشناسی تحولی" 150-141. : (22): روان‌شناسان ایرانی، زمستان 1388.
- سامانی. (1381). مدل علی برای همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی و سازگاری، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شیراز.
- نیرمانی، و وحیدی، (1392). مقایسه‌ی نارسایی هیجانی، باورهای خودکارآمدی و عزت‌نفس در میان دانش‌آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری. مجله ناتوانی‌های یادگیری. 3، 1، 91-87.
- طاوسی، (1392). تنیدگی شغلی و بهزیستی عاطفی: اثر واسطه‌ای هسته ارزشیابی خود. مجله روان‌شناسان تحولی. سال دهم، شماره 38. 103-121.

طاوسی و حوری. (1392). آزمون روان سنجی مقیاس های هسته ارزش یابی خود، فصلنامه تحقیقات روان شناختی، 5(20)، 85-98.

هیبتی (1381). بررسی شیوه های فرزندپروری والدین و رابطه آن با شیوه های مقابله با استرس دانش آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستانهای شهر زرقان. پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه شیراز.

Arrindell WA, Sanderman R, Hageman W, Pickersgill M, Kwee M, Van der Molen H, et al. Correlates of assertiveness in normal and clinical samples: A multidimensional approach. *Advances in Behav Res Ther* 1990; 12(4): 153-282.

Beck, A. T., Emery, G., & Greenberg, R. L. (1985). *Anxiety disorders and phobias: A cognitive perspective*. New York: Basic books.

Boss, A. H., & Perry, M. (1992). The aggression questionnaire. *Journal of Personality and Social Psychology*, 63:452-459.

Crozier, W. R. (1979). Shyness as a dimension of personality. *British Journal of Social & Clinical Psychology*, 18(1), 121-128.

Cheek, J. M., & Stahl, S. S. (1986). Shyness and verbal creativity, *Journal of Research in Personality* 20 . pp. 51-60.

Crozier, W. R. (2001). *Understanding shyness*. New York: PALGRAVE.

Chambless, D. A & et al, (1984). Assessment of fear of fear in agoraphobia: the Chavira, D. A, Stein, M. B & Malcarne, V. L, (2002). Scrutinizing the relationship between shyness and social phobia, *Journal of Anxiety Disorders*, 16, 6, 585-598.

Cetinkaya, Y. B. (2005). Turkish college students' willingness to communicate in English as a foreign language (unpublished doctoral dissertation). Ohio State University, Columbus.

Cobb, S. (1976). Social support as a moderator of life stress. *Psychosomatic Medicine*, 38, 300-314.

Cohen, S. (2014). Negative social interactions and incident hypertension among older adults. *Health Psychology*, 33, 554-565. Copyright 2014 American Psychological Association.

Cha, K. H. (2003). Subjective well-being among college students. *Social Indicators Research*, 62(1), 455-477.

Coopersmith, S. (1967). *The antecedents of self-esteem*. San Francisco: W. H. Freeman & Co.

Deniz M E, Hamarta E, Ari R. An investigation of social skills and loneliness levels of university students with respect to their attachment styles in a sample of Turkish students. *IN Social Behav Personality: an International J* 2005; 33(1):19-32.

Eastburg, M., & Johnson, W. B. (1990). Shyness and perceptions of parental behavior. *Psychological Reports*, 66, 915-921.

Folkman, S., & Lazarus, R. S. (1988). *Ways of Coping Questionnaire*. Palo Alto, CA: Mind Garden.

Jalali M. The effect of modeling followed by rehearsal on assertive behavior in group of students: tarbeyat modaress university; 1998.

Judge, T. A., Locke, E. A., Durham, C. C., & Kluger, A. N. (1998). Dispositional effects on job and life satisfaction: the role of core evaluations. *J Appl Psychol*. 1998 Feb;83(1):17-34.

Jonear, T. E. (1997). Shyness and low social support as Interactive diatheses, with loneliness as mediator: Testing an Interpersonal-Personality view of vulnerability to depressive symptoms. *Journal of Abnormal Psychology*, 106, 3, 386-394.

Judge, T. A., Locke, E. A., Durham, C. C., & Kluger, A. N. (1998). Dispositional effects on job and life satisfaction: The role of core evaluations. *Journal of Applied Psychology*, 83, 17-34.

Karagözoğlu Ş, Kahve E, Koç Ö, Adamişoğlu D. Self esteem and assertiveness of final year Turkish university students. *Nurse Educ Today* 2008; 28(5): 641-9.

Lin YR, Shiah IS, Chang YC, Lai TJ, Wang KY, Chou KR. Evaluation of an assertiveness training program on nursing and medical students' assertiveness, self-esteem, and interpersonal communication satisfaction. *Nurse Educ Today* 2004, 24(8): 656-65.

Mahon, N. E., Yarcheski, A., Yarcheski, T. J., Cannella, B. L., & Hanks, M. M. (2006). A meta-analytic study of predictors for loneliness during adolescence. *Journal of Nursing Research*, 55, 308-315.

Matsushima, R., & Shiomi, K. (2001). Developing a shyness scale for Japanese junior high school students. *Social Behavior and Personality: An international journal*, 29, 289-298.

Gaddis S. Positive, assertive 'pushback' for nurses. *Iowa Nurse Reporter*. 2007; 20: 17-9.

Ghonsooly, B., Khajavy, G. H., & Asadpour, S. F. (2012). Willingness to communicate in English among Iranian non-English major university students. *Journal of Language and Social Psychology*, 31(2), 197-211.

Heimberg RG, Hope DA, Dodge CS, Becker RE. DSM-III-R subtypes of social phobia. Comparison of generalized social phobias and public speaking phobias. *J Nerv Ment Dis* 1990;178(3):172-9.

Hampes, W. P. (2006). Humor and shyness: The relation between humor styles and shyness. *International Journal of Humor Research*, 19, 179-187.

Hertel, P. T., Brozovich, F., Joormann, J., & Gotlib, I. H. (2008). Biases in interpretation and memory in generalized American Psychiatric Association (2000). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders* (4th. ed., text revision). Washington, DC: American Psychiatric Association.

Hashimoto, Y. (2002). Motivation and willingness to communicate as predictors of reported L2 use: The Japanese ESL context. *Second Language Studies*, 20, 29-70.

Heiser, N. A, Turner, S. M & Beidel, D. C, (2003). Shyness: relationship to social phobia and other psychiatric disorders, *Behaviour Research and Therapy*, 41, 2, 209-221.

Hofmann, S. G. (2007). Cognitive factors that maintain social anxiety disorder: A comprehensive model and its treatment implications. *Cognitive Behavior Therapy*, 36, 193-209.

Harder, D. and S. Lewis. (1986). "The Assessment of Shame and Guilt," *Advances in Personality Assessment*, Vol. 6, pp. 89-114.

Hane, A. A., & Fox, N. A. (2007). A closer look at the transactional nature of early social development: The relations among early caregiving environments, temperament, and early social development and the case for phenotypic plasticity. In F. Santoianni, & C. Sabatano (Eds.), *Brain Development in Learning Environments: Embodied and Perceptual Advancements* (pp. 1–15). Newcastle: Cambridge Scholars Publishing.

Ostrov JM, Pilat MM, Crick NR. Assertion strategies and aggression during early childhood: A short-term longitudinal study. *Early Child Res Q* 2006, 21(4): 403-16.

Oyler, J. D. (2007). Core self-evaluations and job satisfaction: The role of organizational and community embeddedness. Dissertation for the doctor of philosophy in management. Faculty of Virginia Polytechnic Institute and State University.

Papageorgiou, C. & Wells, A, (2002). Effects of heart rate information on anxiety, perspective taking, and performance in high and low social evaluative anxiety, *Journal of Behavior Therapy*, 33, 2, 181-199.

Ryan, R. M., & Kuczowski, R. (1994). The imaginary audience, self consciousness, and public individuation in adolescence. *Journal of Personalit*, 62(2), 219-238.

Ramírez, J. M., & Andreu, J. M. (2006). *Aggression, and some related psychological constructs (anger, hostility, and impulsivity)*; some comments from a research project. *Neurosci Biobehav Rev.* ;30(3):276-91.

Rutter, M. (1982). Panel report on psychosocial assets and modifiers of stress. In C. R. Elliott and C. Eisdorfer (Eds.), *Stress and human health: Analysis and implications for research* (pp. 147–188). New York: Springer.

Rosenberg, M. (1965). *Society and the adolescent child*. Princeton, NJ: Princeton University Press.

Stefan G. Hofmann, Cognitive Factors that Maintain Social Anxiety Disorder: a Comprehensive Model and its Treatment Implications, *Cogn Behav Ther.* 2007; 36(4): 193–209..

Segrin, C & Flora, J, (2000). Poor social skills are a vulnerability factor in the development of psychological problems, *Journal of Communication Research*, 26, 3, 489-515.

Seifer, R., Schillier, M., Sameroff, A. J., Resnick, S. & Riordan, K. (1996). Attachment, maternal sensitivity, and infant temperament during the first year of life *Developmental Psychology*, 32, 12-25.

Santrock, J. W. (2001). *Adolescence* (8th ed.). New York: McGraw-Hill.

Sabrina B. dos Santos, Gabrielli P. Rocha, Liana L. Fernandez, Analuiza C. de Padua, and Caroline T.

Reppold.(2018). Association of Lower Spiritual Well-Being, Social Support, Self-Esteem, Subjective Well-Being, Optimism and Hope Scores With Mild Cognitive Impairment and Mild Dementia. *Front Psychol.*; 9: 371.

Sherbourne, C.D. and Stewart, A.L. (1991) The Medical Outcomes Survey Social Support Survey. *Social Science and Medicine*, 32, 705-714.

Sarafino, E. P. (2002). *Health psychology* (4th ed.). New York: John Wiley & Sons, Inc.

Tangney, J.P. (1990). Moral affect: *The good, the bad and the ugly*. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 598-607.

Mahon, N. E., Yarcheski, A., Yarcheski, T. J., Cannella, B. L., & Hanks, M. M. (2006). A meta-Analytic Study of Predictors for Loneliness During Adolescence. *Journal of Nursing Research*, 55, 308-315.

Laura, J. F., Graham, J.R., & Naomi.S. (2007). Social support, self – esteem, and stress as predictors of adjustment to university among first- year under graduates. *Journal of College Student Development*, 48(3), 256-274.

Windle, M. (1992). *Alcohol use, suicidal behavior, and risky activities among adolescents*. *Journal of Research on Adolescence*. 2:317–330.

Weiss, L. H., Schwartz, J. C. (1996). The relationship between parenting type and older adolescents' personality, academic achievement, adjustment, and substance use. *Child Development*, 67, 2101-2114.

Wells, A. & Papageorgiou, C. (2001). Social phobia interception: effects of bodily information on anxiety, beliefs and self-processing. *Behaviour Research and Therapy*, 39, 1, 1-11.

Woody, S. R., Chambless, D. L., & Glass, C. R. (1997). Self-focused attention in the treatment of social phobia. *Behavior Research and Therapy*, 35, 117–129.

Zhao, J., Kong, F., & Wang, Y. (2012). Self-esteem and humor style as mediators of the effects of shyness on loneliness among Chinese college students. *Personality and Individual Differences*, 52, 686–690.

Zhao, J., Wang, Y., & Kong, F. (2014). Exploring the mediation effect of social support and self-esteem on the relationship between humor style and life satisfaction in Chinese college students. *Personality and Individual Differences*, 64, 126–130.

Zhao, J., Kong, F., & Wang, Y. (2012). Self-esteem and humor style as mediators of the effects of shyness on loneliness among Chinese college students. *Journal of Personality and Individual Differences*, 52, 686-690.